



شماره ۲۳  
سال یازدهم  
بهمن ۹۵

گازنامه دانشجویی انجمن اسلامی  
دانشجویان دانشگاه الزهراء (س)



— زنانه، مردانه!  
— مدینه فاضله ی صورتی ها  
— مادر، مربی جامعه  
— مهد کودک سازنده یا مخرب  
— زنانه عالم بودن

# زینب

- ۴ سخن سردبیر.....
- ۵ مدینه فاضله ی صورتی ها.....
- ۷ دانشجو باید، دانشجو نباید.....
- ۸ زنانه عالم بودن.....
- ۹ زنانه، مردانه .....
- ۱۰ پرونده ویژه.....
- ۱۱ مسئولیت از دست رفته.....
- ۱۴ معرفی کتاب.....
- ۱۵ مادر مربی جامعه.....
- ۱۷ حقوق زنان از مصوبات تزئینی تا بنگاه های کار اجباری.....
- ۱۹ مهدکودک سازنده یا مخرب.....
- ۲۰ فاطمه فاطمه است.....
- ۲۱ چه خبرانجمن .....
- ۲۳ هرچه می خواهد دل تنگت بگو.....
- ۲۴ مسابقه روزنه.....



گاهنامه دانشجویی انجمن اسلامی

دانشجویان دانشگاه الزهراء(س)

شماره ۲۳/ سال یازدهم/ بهمن ۹۵

## صاحب امتیاز:

انجمن اسلامی دانشجویان دانشگاه الزهراء(س)

## مدیرمسئول:

زینب رستگارپناه

## سردبیر:

زهرا احمدزاده

## هیات تحریریه:

زینب ارشدی، اعظم بهمن آبادی،

زینب رستگارپناه، فاطمه علیزادنی، حانیه

مهدی، مریم مقدم، زینب قاسم نژاد

## عکاس:

فاطمه سادات میرهاشمی، مریم مقدم

## طراح و صفحه آرا:

زینب رستگارپناه

باتشکر از سرکار خانم وزیر و جناب آقای اصفهانی که

در نشر این شماره ما را همراهی کردند.



مقام معظم رهبری:

«در خانواده، همسر و مادر عضو اهل است. زن در این مجموعه،  
بجار بسیار اساس و رفیعتر دارد. به همین خاطر، وقت اهل  
خانواده - یعنی زن - متزلزل است، در آنجا هیچ چیز در  
بجار خودش قرار ندارد.»





### باسمه تعالی

سلام

با یاری خداوند و همیاری دوستان، بیست و سومین شماره روزنه در واپسین روز بهمن ماه به چاپ رسید.

از طرف دست اندرکاران نشریه روزنه ایام سوگواری بانوی دو عالم، حضرت فاطمه سلام الله علیها را تسلیت عرض می کنم .

پرونده ویژه این شماره اختصاص دارد به موضوع « اشتغال زنان » و بررسی نکات منفی و مثبت آن از ابعاد گوناگون . موضوعی که امروزه بسیاری از زنان به نحوی درگیر آن هستند و با این موضوع دست و پنجه نرم می کنند.

همچنین زین پس صفحاتی از نشریه به مشکلات شما دانشجویان در دانشگاه اختصاص دارد.

در پایان از شما خوانندگان عزیز کمال تشکر را داریم که همواره روزنه را همراهی می کنید .

با احترام

زهرا احمدزاده



## مدینه ی فاضله ی صورتی ها

زینب رستگارپناه

تمام آرزوهایتان را که جمع کنید و یک مدینه ی فاضله بسازید، می شود همین! قصدجسارت ندارم ولی...

اصلا مستحق این وضعیتید، به نظرم باید تحقیق می کردید، قصور از ما نیست. حالا هم دیر نشده چراکه: در پشیمانی چراغ معرفت روشن تر است توبه کن! هرگز برای توبه کردن دیر نیست.

پس اگر برای ورود به این دانشگاه تحقیق نکردید دیگر وقت آن رسیده که از تجربیات دانشجویان ارشد دانشگاه استفاده کنید، شاید که توبه تان پذیرفته شود!

حمایت از محیط زیست:

اینجا مهد احترام به محیط زیست است، کجای کلان شهر تهران دیده اید. که تا این حد به محیط زیست و جانوران احترام بگذارند؟

در کدام نقطه از ایران گربه ها و کلاغ ها در عزت و یا تقسیم اراضی حقوق یکسان با انسان ها دارند؟ کمی دقت بفرمایید اینجا مکانی خاص است.

کت واک رایگان:

کدام دانشگاه در سراسر دنیا را سراغ دارید که دانشجو بتواند با لباسی غیر از فرم استاندارد دانشجویی وارد دانشگاه بشود؟

کجایمی شناسید که رنگ ولعاب میکاپ دانشجویان حراست دانشگاه را مدهوش کند و در نهایت ادب بفرمایند: «عزیزم آرایش قشنگت رو کم رنگ تر کن» دقت بفرمایید کم رنگ و نه پاک کردن.

رقابت صورتی ها:

اینجا مدینه فاضله نیست، اما میدان رقابت و پیشرفت که هست، نیست؟

کدام دانشگاه را می شناسید که در آن عناصر انان این چنین در عرصه ی رقابت تاخت و تاز کنند؟ نه تنها در عرصه های علمی و فرهنگی بازار رقابت گرم است، که در کسب فضایی خاص همچون عدم غیبت هم مصداق السابقون هستند در زیر آب همکلاسی را نزدن، حمایت از هم جنس، از خودگذشتگی، ساده زیستی و انسان دوستی که اولئک المقربونند.

شیر کردن معلومات و محفوظات:

نگران غیبت کردن در کلاس ها نباشید، اینجا جزوات درسی در حجم بالا در حال بارگذاری است!

کدام دانشگاه را سراغ دارید که هم کلاسی شریف و درسخوان تان سوگند یاد کند که این کامل ترین جزوه است و شما با عنایت خداوند درسی چهارواحدی را به سان ناپلئون پاس کنید و در اوج ناباوری مبهوت بیست همکلاسی شریف تان باشید؟



تشکل دانشجویی دارد، آن هم نه یکی دو تا... تازه کلی هم کانون فرهنگی فعال دارد و البته درست است که تمام این کانون ها و تشکل ها باید در دسترس دانشجویان باشند اما صرفاً به جهت ارضای حس کنکاش دانشجویان علاقه مند تمامی آنها زیر ساختمانی جنب سلف جدید مدفون شده اند...

#### کارخانه ی انسان سازی:

همین دانشگاهی که ادعا می فرماید شده اسباب افسردگی شما، بستری است برای دانشجویان اهل فضل و ادب که با رعایت اخلاق اسلامی بر شانه های یکدیگر پا بگذارند و با کسب بالاترین معدل از دوره ی کارشناسی وارد کارشناسی ارشد شوند و درصد امید به زندگی را در میان هم کلاسی های خود افزایش دهند.

خلاصه ی مطلب اینکه به جای بهانه آوردن و غصه خوردن، دستی بر زانوی همت بگذارید و چند صباحی که در این دانشگاهید حداکثر استفاده را ببرید. توصیه ی ما به شما این است: شاکر باشید چرا که:

شکر نعمت، نعمت افزون کند

کفر نعمت از کفت بیرون کند

شاید به واسطه ی شاکر بودن تان باب رحمت باز شود و همای سعادت قبولی کارشناسی ارشد در همین دانشگاه را بر شانه هایتان بنشانند.

البته نگران نباشید قطعاً چندی بعد این فرد شریف اقرار خواهد کرد که فراموش کرده بوده نیمی از جزوه را تقدیم حضورتان کند و صد البته جای هیچ گلایه ای نیست چرا که هر که طاووس خواهد جور هندوستان کشد. بیست استاد متعلق به جور کشان است پس غیبت ممنوع...

بخت گشای سیری ناپذیر:

ساده نگذیرید از این دانشگاه!

اینجا سرشار از فضایل است، همین رستوران ترمه، صرفاً یک مشرب و مطعم نیست اینجا موصل دلدادگان است، مکانی امن برای برگزاری مراسم پر برکت خواستگاری، البته با اطلاع خانواده ها این شاء الله...

دیگر از فضایل کانون از دواج دفتر نهاد رهبری و برکات نازله اش نمی گویم که باید حضوراً درکش کنید...

تحصیل، تهذیب، ورزش:

فقط یک دانشگاه را نام ببرید که ناوایی داشته باشد، آن هم کنار ساختمان آموزش کل، امور فرهنگی و کتابخانه ی مرکزی اش، این یعنی تسهیل امور حیاتی دانشجویان.

خلاصه این که بهانه نیاورید درس نمی خوانیم چرا که فضای این دانشگاه انگیزه را از وجودمان برده است، دانشگاهی به این سرسبزی، روی قبرستان هم که ساخته نشده، تعاونی هم دارد از همه مهم تر



## دانشجو باید، دانشجو نباید!

مریم مقدم

مصاحبه ای با چند تن از دانشجویان دانشگاه  
الزهرا پیرامون ویژگی های یک دانشجو  
به عنوان قشر تحصیل کرده جامعه!

این دانشجویان در پاسخ به سوال ( ویژگی های  
یک دانشجو چیست؟ ) این گونه پاسخ دادند:

\*یک دانشجو باید دانشجو باشد؛ یعنی در  
جست و جوی علم و دانش باشد. اصلی ترین  
ویژگی دانشجو خوب درس خواندن است. دانشجو  
باید تلاش کند تا بتواند سطح علمی خود را  
ارتقا دهد. یک دانشجوی واقعی میزان زیادی از  
وقت خود را در مدت تحصیل، صرف اندوخته

علمی می کند و در این مسیر گام بر می دارد.  
از ویژگی های دانشجو برنامه ریزی درست و تنظیم  
کارهای روزانه است تا بتواند بیشتر وقت و تلاش خود  
را صرف کسب علم کند. این دانشجو همان کارمند و  
دولت مرد آینده است و اگر علم نداشته باشد، کشور  
در تمام مسائل اجتماعی، فرهنگی، سیاسی و اقتصادی  
عقب می افتد.

\*از ویژگی های دیگر دانشجو آماده کردن خود برای  
زندگی آینده است که شامل بعد فردی و اجتماعی  
است. چون اگر فرد آمادگی لازم را نداشته باشد در  
اتفاقات زندگی بهتر عمل می کند.

\*یک دانشجو می تواند با به کارگیری دانش، در مسیر  
بر آوردن نیاز جامعه و پیشرفت آن در محقق شدن  
اهداف متاثر باشد. دانشجو باید هوشیار باشد و دارای  
قدرت تشخیص...

باید بتواند در مسائل روز قدرت تحلیل داشته باشد و  
منتقد و معترض باشد اگرچه انتقاد کارگشتر از اعتراض  
است و اعتراض همیشه پاسخگو نیست.

\*دانشجو باید بتواند در بسیاری از ابعاد تدبیر کند و با



اتخاذ موضع آگاهانه و به جا نظر بدهد.

دانشجویان به عنوان قشر فرهنگی جامعه باید نسبت به  
مسائل سیاسی و اجتماعی آگاهی و بینش داشته باشند، تا  
اندازه ای که به تحصیل علم و دانش آنان آسیبی نرساند و او  
را از اهداف علمی اش دور نکند. دانشجو باید در کنار تحصیل  
به فعالیت های متفرقه پردازد و تک بعدی پیش نرود تا  
بتواند زندگی موفق داشته باشد...

\*از ویژگی های دانشجو مطالعه غیر درسی است. این مطالعه  
روح فرد را پرورش می دهد و دید وی را نسبت به مسائل  
گسترده تر می کند و به تجربیات او می افزاید.

یک دانشجو باید از معاشرت با افرادی که او را از مسیر  
تحصیل و هدفش منحرف، و به خود سرگرم می سازند، به  
ویژه افرادی که عمر خویش را بیهوده صرف می نمایند،  
خودداری کند.

همچنین دانشجو باید آگاه به مسائل سیاسی روز کشور  
خویش نیز باشد و آن ها را به خوبی رصد کند و نیز در  
برنامه های سیاسی دانشگاه در جهت مثبت فعالیت داشته  
باشد چراکه رسالت دانشجو تنها به گذراندن واحد های  
درسی محدود نمی شود.





## زنانه عالم بودن!

زینب قاسم نژاد

فراگیری علم از دیدگاه اسلام ضرورتی مطلق است. در حدیثی از رسول اکرم (ص) نقل است: «علم آموزی بر هر مسلمانی واجب است. این حدیث اختصاص تحصیل به طبقه، صنف یا جنس خاصی را رد می کند. حدیث «اطلبوا العلم من المهد الی المهد» محدودیت زمانی برای تحصیل علم را از میان بر می دارد. حدیث دانش را بیاموزید، هر چند در چین باشد، طلب علم را وظیفه ای می داند که جا و مکان خاصی نمی شناسد. بنابراین توضیحات اسلام به عنوان دینی جهان شمول و دارای ایدئولوژی و تفکر خدامحور که برای تمام زوایای زندگی انسان برنامه و هدف دارد، نه تنها تحصیل را امری ضروری می داند، بلکه از حیث جنسیت هیچگونه محدودیتی برای کسب آن قائل نشده و چه بسا، زنان را به کسب علم تشویق هم کرده است. اگر در این موارد کوتاهی صورت گرفته باشد هم، نه براساس ذات دین بلکه براساس نگرش های منفعت طلبانه و کوتاه فکرانه نسبت به این امر بوده است. مرحوم علامه طباطبایی در تفسیر المیزان، پس از نقل سرگذشت تاسف بار زن در طول تاریخ می گوید: زن در تمام احکام عبادی و حقوق اجتماعی با مرد شریک است و در هر امری که مرد استقلال دارد، مانند ارث، کسب، معامله، تعلیم و تربیت و دفاع از حقوق و...، زن هم مستقل است. مگر در مواردی که با مقتضای طبیعتش مخالف باشد.

پس چه نیکوست که زنان مسلمان تحصیل علم را جدی گرفته و آن را تا مراتب عالیه طی کنند تا بتوانند فرزندان فهیم، مومن و آگاه، تربیت کرده و تحویل جامعه دهند.

خانواده هسته ی اصلی رشد و تعالی انسان و زن، کانون و محور اصلی این نهاد محسوب می شود. خانواده مهمترین رکن از ارکان اجتماع است و پی ریزی اصلی و درست آن تاثیر بسیار مهم و پررنگی در سلامت و صحت نفس جامعه دارد؛ که خوب می دانیم این وظیفه به عهده مادر است. هراندازه که شکل گیری بنیان خانواده با تعقل و درایت بیشتری صورت گیرد، دوام، پایداری و کیفیت روابط در درون خانواده از عمق بیشتری برخوردار بوده و اعضای آن احساس آسودگی و رضایت خاطر بیشتری خواهند کرد. یکی از مبادی این تصمیم گیری درست و عاقلانه، درجه فهم و بینش دورکن اصلی تشکیل دهنده خانواده، یعنی زن و مرد می باشد. مخصوصا زنان زیرا متولی امر تربیت نسل بعد هستند. افزایش سطح تحصیلات عالیه را اگرچه نمی توان به عنوان عاملی صددرصدی در افزایش بینش افراد دانست. اما پژوهش های صورت گرفته نشان داده است که این امر از نقش پررنگی برخوردار است. سوالی که در اینجا ممکن است مطرح شود این است که لزوما افزایش سطح تحصیلات برای زنان تا چه اندازه مهم است و آیا اصلا در زندگی خانوادگی تاثیرگذار هست یا خیر؟

در این متن تلاش بر آن است تا ضمن تبیین ضرورت علم آموزی برای زنان به درجه اهمیت آن براساس تعالیم الهی و قانون اساسی پرداخته شود و روشن شود که براساس رسالت زن در خانواده و اجتماع چه رشته هایی در سطوح عالی تحصیلی برای او مناسب می باشد.





موضوع آموزش و پرورش همواره از مهمترین مسائل زندگی انسان ها بوده و هست. در نتیجه بررسی بهترین مؤثرترین شیوه های تحصیلی از اهمیت بالایی برخوردار است. در این میان آموزش و پرورش، در محیط تک جنسیتی یا مختلط، از جمله مسائلی است که نه تنها ذهن صاحب نظران داخلی بلکه دانشمندان خارجی را نیز از سالها پیش به خود مشغول کرده است.

در ۳۱ شهریور ماه ۱۳۹۰ یکی از خبرگزاری های فرانسه به توجیه لزوم تفکیک جنسیتی در فضا های آموزشی غرب پرداخت. همچنین کتابی به نام پسر ها را نجات دهیم در این کشور منتشر شد که به بحث های وسیعی درباره فواید جداسازی دختران و پسران از یکدیگر در مدارس پرداخت. در همین راستا قانون اجباری بودن اختلاط مدارس در فرانسه لغو گردید و مدارس معدودی به همان نظام سابق روی آوردند. در آمریکا نیز تعداد مدارس ویژه دختران و پسران از ۳ عدد در کل کشور در سال ۱۹۹۵ به ۲۴۱ عدد در حال حاضر رسیده است. مسئولان این کشورها معتقدند زمانی که دختران و پسران در یک محیط درس بخوانند زمینه تحریکات جنسی و اخلاقی فراهم می گردد و این مسئله موجب کاهش راندمان علمی آنان می شود.

دانشجویان ایرانی پس از گذراندن ۱۲ ساله تحصیلات در مدارس منفک شده جنسیتی، راهی کلاس های مختلط دانشگاهی می شوند و این تغییر فضا درست در زمانی رخ می دهد که هیجانات و شور و نشاط جوانی در اوج خود قرار دارند. در چنین شرایطی جوان تازه راه یافته به دانشگاه باید هم درسش را بخواند و هم از پس غلبه بر احساساتش برآید؛ که انجام همزمان این دو مهم برای

وی سخت و تا حدودی ناشدنی به نظر می رسد. اینجاست که به مرور زمان افت تحصیلی فرا می رسد و مشروطی ها یکی پس از دیگری خودنمایی می کنند و در نتیجه سطح علمی دانشگاه ها روز به روز پایین تر می آید و با همان قیف وارونه ای مواجه می شویم که دانش آموز پس از گذراندن تحصیلات عمومی در مدرسه، با تلاش بسیار و به امید دانش اندوزی مضاعف وارد دانشگاه ها شده اما به محض ورود به محیط جدید قید کسب علم را می زند و دانشگاه تبدیل به محلی برای گذراندن اوقات خوش جوانی در کنار جنس مخالف می شود.

موضوع تفکیک جنسیتی نخستین بار در دولت دهم مطرح شد و در سال های ۸۹ و ۹۰ اجرای این طرح در دانشگاه ها به شدت مورد توجه دولت و نهاد های حکومتی قرار گرفت و دانشگاه علامه طباطبایی اولین دانشگاهی بود که این طرح در آن اجرا شد.

اما با روی کار آمدن دولت یازدهم، صدرالدین شریعتی رئیس دانشگاه علامه طباطبایی که از پیشاتازان اجرای طرح تفکیک جنسیتی در دانشگاه ها بود به عنوان

اولین رئیس دانشگاه برکنار شد و دولت یازدهم صریحا اعلام کرد و که قصد ادامه ی روند تفکیک جنسیتی در دانشگاه ها را ندارد و راهکار در این مورد را تشکیل دانشگاه های تک جنسیتی می داند. دانشگاه هایی چون دانشگاه الزهرا که به عنوان تنها دانشگاه جامع تک جنسیتی ویژه دختران در منطقه، از نظر مرتبه علمی جایگاه مناسب و البته روند رو به رشدی دارد.

کماکان اجرای طرح تک جنسیتی شدن دانشگاه ها مخالفانی دارد که دلایل بعضی از آنها قابل تأمل است. دلایلی چون هزینه های سنگین اقتصادی برای تأسیس دانشگاه های تک جنسیتی، غیر ممکن بودن حضور اساتید مجرب در رشته های مختلف متناسب با نیاز دانشگاه های دخترانه و پسرانه و توجیهاتی چون کاهش میل به ازدواج در جوانان. در حالی که آمار ازدواج در دانشگاه های تک جنسیتی چون دانشگاه الزهرا، امام صادق و... کمتر از سایر دانشگاه ها نیست و ازدواج های درون دانشگاهی ناموفق در دانشگاه های مختلط که بعضا بعد از چند سال و یا چند ماه به طلاق انجامیده، نشان می دهد که این ازدواج ها با شناخت کافی صورت نگرفته و تنها بر پایه احساسات و شور جوانی است.

مسئله تفکیک جنسیتی در جهت دستورات اسلام و شئون دینی مسئله ای مهم و درخور توجه است اما این اهمیت نباید سبب شود که بدون برنامه ریزی و در نظر گرفتن تمهیدات لازم دانشگاه های تک جنسیتی تأسیس شود. تا جایی که رؤسای دانشگاه ها اساتید غیر متخصص را با این بهانه به کارگیرند که تعداد آقا یا خانم در فلان رشته محدود است و مجبور به استفاده از اساتید کم تجربه و با رتبه علمی پایین هستند. این اقدام خود عاملی است در جهت افت سطح علمی دانشگاه های کشور و باید در نظر داشت که برای درست کردن ابرو چشم را کور نکنیم! به قول معروف بهترین روش برای تخریب فرد یا ایده ای، بد دفاع کردن از آن است باید گفت که بهترین روش برای تخریب یک طرح یا ایده نیز بد اجرا کردن آن است! پس باید زنجاری به مسئولان زد که تا امکانات کافی و وافی برای تأسیس دانشگاه های تک جنسیتی قوی و بالنده و پویا مهیا نشده است، از اجرای ناقص این طرح سر باز زنند زیرا تأسیس دانشگاه های تک جنسیتی که مایه ضعف علمی جامعه دانشگاهی کشور گردند و در انتخاب رشته آخرین گزینه جوانان باشند، دقیقا برابر است با مرگ و به دست فراموشی سپرده شدن این ایده ارزشمند آموزشی.

شاید تا زمان دست یابی به امکانات تأسیس دانشگاه های تک جنسیتی راه حل های دیگری نیز وجود داشته باشد، شاید باید در دوران دبیرستان به جای تربیت ماشین های تست زنی مهارت های دیگری به دانش آموزان آموخته شود تا به محض ورود به دانشگاه و مشاهده حضور جنس مخالف در کنارشان از خود بی خود نشوند، حضور در دانشگاه هم مانند تکنولوژی و خیلی موارد دیگر نیاز به فرهنگ سازی دارد.



زنانه،

مردانه...

حانیه مهدی





پرونده ویژه:

## مادران هشت دست!

بررسی اشتغال زنان در خانواده



بهمن ۱۳۹۵

## مسئولیت از دست رفته!

آیا اشتغال زنان یک حق است یا وظیفه؟!

مریم عسگری پرور



در بررسی عوامل موثر بر تغییر سبک زندگی در عصر حاضر می‌توان اشتغال زنان را به عنوان یکی از عوامل اثرگذار دانست. با نگاهی هرچند سطحی و گذرا به زندگی خانواده‌هایی که در آن‌ها زنان شاغل و نان آورند به خوبی متوجه این مسئله می‌شویم که تفاوت محسوسی در سبک زندگی این خانواده‌ها که بیشتر رنگ و بوی غربی به خود گرفته‌اند با خانواده اسلامی وجود دارد. در الگوی خانواده اسلامی هر فردی در خانواده به ایفای نقش خود می‌پردازد و مسئله ای با عنوان تداخل یا جایگزینی نقش‌ها به وجود نمی‌آید. این مسئله به دلیل تأثیر مثبتی که بر روابط فی مابین افراد خانواده می‌گذارد سبب ایجاد آرامش و ثبات در خانواده می‌گردد. اما در خانواده‌هایی که زن در بیرون از منزل اشتغال دارد. با سبک متفاوتی از زندگی روبرو هستیم.

در این خانواده‌ها مهد کودک‌ها جایگزین مادر می‌شوند. غذاهای آماده جای غذاهای گرم را می‌گیرد و... و در نهایت این مسئله به تربیت غلط فرزندان و کم شدن وابستگی زن و شوهر نسبت به یکدیگر می‌انجامد. کم‌رنگ شدن تدریجی روابط زن و شوهر نتیجه‌ای جز سستی بنیان خانواده در پی نخواهد داشت طوری که با کوچک‌ترین و جزئی‌ترین اختلافی طلاق را به عنوان بهترین گزینه پیش روی خود انتخاب می‌کنند.

دکتر امیرحسین بانکی‌پور فرد، استادیار دانشگاه اصفهان و کارشناس مسائل اجتماعی است. از نظر وی اشتغال حق زن است نه وظیفه زن و زمانی باید از این حق استفاده کند که به وظایف و رسالت اصلی او در خانواده که تربیت انسان است،

ضربه‌ای نخورد.

**همان‌طور که می‌دانید در جامعه شاهد افزایش اشتغال زنان هستیم که این مسئله علاوه بر اینکه زحمت مضاعفی را بر دوش زن می‌گذارد مشکلاتی را هم در خانواده به وجود می‌آورد، لطفاً نظر خودتان را راجع به این مسئله بفرمایید.**

اولین نکته‌ای که باید بدانیم این است که اشتغال حق زن است نه وظیفه‌ی او؛ اما وقتی تبدیل به حق شد انسان می‌تواند نسبت به آن، حق انتخاب داشته باشد. مثلاً اگر این حق او مانع از احقاق بعضی حقوق دیگر یا انجام برخی وظایفش شد، می‌تواند کم و زیادش کند اما وقتی تبدیل به وظیفه شد حتماً باید آن را انجام بدهد، به همین خاطر ابتدا باید جایگاه حق بودنش را به رسمیت بشناسیم و بدانیم که وظیفه نیست بلکه حق است.

نکته‌ی دوم این است که وظایف و مسئولیت‌های خانوادگی مانند مادری و همسری وظیفه‌ی زن است و قابل جایگزینی نیست و ما باید به این مسئله هم توجه داشته باشیم که زن زمانی می‌تواند از حق اشتغال خود استفاده کند که به وظایف و رسالت اصلی او در خانواده که تربیت انسان است، ضربه‌ای نخورد.

نکته‌ی سوم این است که **لطفات یک زن باید در شغل او حفظ شود** زیرا بعضی از شغل‌ها برای زن خشن است و لطفات زنانه را از او می‌گیرد، همچنین باید به شغل‌هایی که حجم کاری بالایی دارند و زن باید ساعت‌های طولانی را مشغول



باشد هم توجه نمود، این مشاغل قطعاً زن را از جایگاه اصلیش کنار می‌زند به طوری که دیگر نمی‌تواند نقش اصلی خود را در خانواده ایفا کند

نکته‌ی چهارمی که باید به آن توجه کنیم، **متانت زن است** که باید در محیط کار حفظ شود. ارتباطات اجتماعی که در بعضی از فضاهای کاری وجود دارد، متانت زن را از او می‌گیرد و زن در دایره‌ی ارتباطات غلط قرار می‌گیرد.

مسئله‌ی بعدی این است که در کشور ما باید **کار خانگی زن جزء تولید ناخالص ملی محسوب شود** که در حال حاضر در غرب به این مسئله رسیدگی می‌شود یعنی تا به حال کسی کارهای خانگی زن را جزء تولید ناخالص ملی به شمار نیاورده است اما این مسئله امروزه در دنیا مطرح می‌گردد که وقتی یک زن در بیرون از منزل اشتغال پیدا می‌کند هزینه‌های زیادی به خانواده تحمیل می‌شود، چرا؟ به عنوان مثال وقتی یک خانم در حکم یک پرستار از فرزندان دیگران نگهداری می‌کند، جزء کار او محسوب می‌شود اما زمانی که فرزندان خودش را در خانه نگهداری می‌کند، کار محسوب نمی‌شود؟ یا اینکه چرا وقتی خانمی در یک رستوران آشپزی می‌کند، شغل محسوب می‌شود ولی اگر در خانه غذا بپزد، کار به حساب نمی‌آیند. این یک اصل مهم در بحث اشتغال است.

نکته‌ی بعد این است که بیشتر وقت‌ها خانم‌ها با این انگیزه وارد عرصه‌ی اشتغال می‌شوند که به همسرشان در تأمین مخارج زندگی کمک کنند در حالی که زنان خانه‌دار با مدیریت خود در خانه و کاهش هزینه‌هایی که به خاطر شغل زن به خانواده تحمیل می‌شود بسیار بیشتر از زنان شاغل می‌توانند کمک اقتصادی کنند.

مسئله‌ی دیگر این است که زنان در جامعه‌ی ایرانی هیچ وقت کارکرد سنتی‌شان را از دست نمی‌دهند یعنی در جامعه‌ی ایرانی خود زن و همین‌طور دیگران نسبت به مسائل داخلی و خارجی خانه توقعاتی دارند. یک زن وقتی وارد مشاغل خارجی می‌شود در واقع از مسئولیت‌های خود در قبال همسر و فرزندانش باز می‌ماند از این رو وقتی می‌بیند که فرزندش خوب تربیت نشده یا خانه نظم لازم را ندارد، دچار یک حس منفی می‌شود و این مسئله تأثیر بدی بر روحیه‌ی او می‌گذارد.

مسئله‌ی بعدی این است که **اشتغال زنان نباید در مواردی مطرح شود که جای اشتغال مردان را بگیرد**، به عنوان مثال اگر ما چندین میلیون زن را وارد کارهایی کنیم که فرصت‌های شغلی مردان را از آن‌ها بگیرد، کار غلطی انجام داده‌ایم اما می‌توانیم روی یک الگوی اشتغال کار کنیم که این اتفاق نیفتد، مانند زمان گذشته که زن‌ها در خانه کار می‌کردند که این مسئله نه تنها فرصت‌های شغلی مردان را کم نمی‌کرد بلکه به سبب کارهای خانگی زنان، فرصت‌های جدید اشتغال نیز برای مردان ایجاد می‌شد، مثلاً محصولاتی

که این خانم‌ها در خانه تولید می‌کردند مانند صنایع دستی یا فرش یا تولیدات مختلف سبب می‌شد تا مردان به دنبال تهیه‌ی مواد اولیه و خرید و فروش این تولیدات باشند، در حالی که در جامعه‌ی امروز اشتغال خانم‌ها فرصت‌های شغلی مردان را از آن‌ها می‌گیرد و آسیب‌های این مسئله به نوعی متوجه خود خانم‌ها نیز می‌شود. وقتی عده‌ای جوان فرصت‌های شغلی خود را از دست بدهند، طبیعتاً ازدواج نمی‌کنند به همین دلیل خانم‌ها بدون همسر می‌مانند یعنی این مسئله تأثیر معکوس بر روی خانم‌ها دارد؛ از این رو کارکرد زن و اشتغال زنان باید به نحوی تعریف شود که مطلوبیتش برای خانواده حفظ بشود یعنی در کل باید ببینیم که اشتغال زنان به مصلحت خانواده و جامعه است یا نیست. بنده پیشنهاد دور کاری را برای خانم‌ها مناسب می‌دانم تا هم بتوانند به امور داخلی منزل رسیدگی کنند و هم هزینه‌ی کمتری متوجه خانواده و جامعه بشود.

**الگوی اشتغال زنان هم باید تغییر کند** یعنی اگر برای یک کارمند ۸ ساعت کار در روز تعریف می‌کنیم، الگوی اشتغال زنان کارمند باید به صورت الگوی کار نیمه‌وقت تعریف شود یعنی اگر دولت چنین مصوبه‌ای را برای مجلس تهیه کند که تمام زنان کارمند نیمه وقت باشند و به طبع تمام حقوق و مزایای آن‌ها هم نصف بشود در این صورت دیگر مانند زنانی که تمام وقت کار می‌کنند قوای جسمی آن‌ها تحلیل نمی‌رود و دیگر ضربه‌ای به خانواده وارد نمی‌شود و در عوض فرصت‌های شغلی بسیاری نیز ایجاد می‌شود و به نظر بنده این الگو می‌تواند الگوی مناسبی برای اشتغال زنان باشد و به طور کلی قوانین استخدامی و کارمندی زنان باید متناسب با شرایط روحی و جسمی آن‌ها طراحی شود و کاملاً با مردان متفاوت باشد.

نکته‌ی مهم در اینجا این است که مردی که همسرش شاغل است باید بداند **نباید از پول زن در تأمین مخارج زندگی استفاده کند زیرا خداوند این مسئولیت را بر عهده‌ی مرد قرار داده است** و او مسئول تأمین نفقه است و اگر هم می‌خواهد استفاده کند باید بیشتر صرف جنبه‌های سرمایه‌ای زندگی مانند خرید اقلامی به عنوان سرمایه به نام خود زن بشود ولی بهتر است تا حد امکان در هزینه‌های جاری استفاده نشود و اگر خانم خواست از روی محبت به شوهرش کمک کند باید مراقب این نکته بود که این مسئله منجر به ورود زن به نقش‌های مردانه نشود و به مدیریت مرد خللی وارد نکند و زندگی با دو مدیریت روبه‌رو نگردد یا مرد به اشتباه تصور نکند چون همسرش تأمین قسمتی از مخارج خانه را بر عهده دارد قصد مداخله در برخی مسائل و نقش‌های او را دارد. به هر حال باید در خانواده مراقب باشیم تا جابه‌جایی نقش‌ها اتفاق نیفتد

**لطفاً به دلایل گرایش خانم‌ها به اشتغال هم اشاره‌ای**



یکی از دلایل گرایش خانمها به اشتغال بیرون از منزل فرهنگ سازی غلطی بود که در دهه‌ی گذشته انجام شد. به خانمها القا می‌کردند که شما باید شاغل بشوید تا به استقلال اقتصادی برسید و در واقع سیاست‌هایی که در کشور دنبال می‌شد این مسئله را تقویت می‌کرد که به نظر بنده کار درستی نبود.

نکته‌ی دوم این است که الگوهای لیبرالیستی و فرهنگ غرب در حال حاکم شدن بر فرهنگ جامعه‌ی ایرانی است. در این الگوها زن از نظر مالی مستقل می‌شود و نقش مردانه به خود می‌گیرد که این الگوها متأسفانه از طریق متون درسی و علمی و همین‌طور از طریق تکنولوژی یا مسائل اقتصادی به تفکر خانمهای جامعه‌ی ما رخنه می‌کند که این به هیچ‌عنوان با الگوی سبک زندگی اسلامی و الگوی پیشرفت اسلامی سازگار نیست. در زندگی غربی زن و شوهر تنها دو هم‌اتاقی هستند که هر روز صبح سر کار می‌روند و عصر خسته به خانه بر می‌گردند اما الگوی اسلامی خانواده این‌طور نیست. اشتغال زنان و کم‌رنگ شدن نقش مادری که در حقیقت یکی از نقش‌های کلیدی و اصلی زن در خانواده است چه تأثیری بر تربیت فرزندان و ارضای نیازهای عاطفی آنها دارد می‌سازد؟ آیا مهدکودک و یا پدر بزرگ‌ها و مادر بزرگ‌ها ... می‌توانند خلأهای عاطفی فرزندان را پر کنند؟

متأسفانه ما فکر می‌کنیم که مهدکودک‌ها می‌توانند جایگزین مادر باشند اما خیلی از اوقات خللی که در تربیت فرزندان به وجود می‌آید به این دلیل است که بچه در همان ماه‌های اول زندگی که برای تکمیل شخصیت خود به آغوش مادر نیاز داشت از آن محروم شده و صبح‌ها با اضطراب از خواب بیدار می‌شد و به خانه‌ی پدر بزرگ و مادر بزرگ و یا مهدکودک سپرده می‌شد تا مادر بتواند به سرکارش برود.

روان‌شناسان می‌گویند شخصیت بچه‌ها در دو سال اول زندگی او شکل می‌گیرد و کودکی که از همان ابتدا با این اضطراب و استرس روبه‌رو می‌شود، در آینده با مشکلات شخصیتی بسیاری دست و پنجه نرم می‌کند. به همین دلیل الگوی دورکاری را برای خانمها پیشنهاد می‌کنم به خصوص در سنینی که باید نظارت بیشتری بر فرزندان صورت بگیرد.

یکی از مسائلی که امروزه در جامعه‌ی ما مطرح است، بحث پیری جمعیت است. اشتغال زنان چه تأثیری بر این مسئله دارد؟

مسئله‌ی اشتغال زنان تأثیر مستقیمی بر کاهش جمعیت کشور دارد زیرا زنان شاغل برای حفظ شغل خود تمایلی به فرزندآوری ندارند و این مسئله تبعات سنگینی را متوجه خانواده و اجتماع می‌کند و جمعیت مفید و خلاق جوان کاهش پیدا می‌کند که این مسئله به ضرر جامعه است و در واقع اتصال و پیوند خانواده از دست می‌رود. به همین دلیل الگوی دورکاری را برای خانمها

مناسب می‌بینم البته این بدان معنی نیست که به طور کلی با اشتغال خانمها مخالف باشم اما معتقدم با الگوی فعلی اشتغال خانواده و اجتماع دچار آسیب‌های جدی می‌شود که باید این مسئله اصلاح شود؛ از این رو اگر بتوانیم اشتغال خانمها را در محیط خانه تعریف کنیم ثمرات زیادی متوجه خود زن، خانواده و اجتماع خواهد شد.

**برخی یکی از دلایل افزایش آمار طلاق، به خصوص طلاق‌های توافقی را اشتغال زنان می‌دانند. نظر شما در این خصوص چیست؟**

در حقیقت خانمی که شاغل می‌شود، احساس استقلال اقتصادی می‌کند و این حس استقلال سبک زندگی جدیدی را به وجود می‌آورد که در آن هم زن نسبتاً مستقل می‌شود و وابستگی‌اش نسبت به همسرش بسیار کمتر می‌شود و هم مرد به دلیل این شرایط وابستگی‌هایش به زنش کم‌رنگ‌تر می‌گردد و همین مسئله زمینه ساز جدایی در خانواده می‌شود به طوری که با کوچک‌ترین اختلاف یا عدم تفاهم طلاق را به عنوان راه حل انتخاب می‌کنند زیرا احساس می‌کنند که جدایی هزینه‌ی زیادی را برایشان به بار نمی‌آورد زیرا زن از لحاظ مادی به شوهر وابسته نیست و مرد هم با سبک زندگی جدیدی که اشتغال برایش درست کرده است می‌تواند کودکش را به مهدکودک بسپارد یا از غذاهای آماده استفاده کند. خیلی از مواردی که وابستگی زنان را به مردان بیشتر می‌کند در رابطه با زنان شاغل وجود ندارد. به همین دلیل با کوچک‌ترین زلزله‌ای بنای زندگیشان به هم می‌ریزد.

زن تا اشتغال پیدا می‌کند در واقع پیوندهای مقاوم و وابستگی‌های قلبی که بین او و شوهرش وجود داشت کاسته می‌شود و با زلزله‌های کوچکی که در زندگی ایجاد می‌شود آن پیوند از بین می‌رود و از این رو شاهد طلاق‌های زیادی هم هستیم.

**برخی حضور اجتماعی زن را با اشتغال زنان مساوی می‌بینند. آیا این معادل سازی صحیح است؟**

این یک معادل سازی غلط است که فرهنگ اروپایی آن را به ما القا می‌کند بنده معتقدم اینکه حقوق اجتماعی زن را معادل با اشتغال بدانیم و آن وقت بر حضور اجتماعی و تأثیر اجتماعی زن تأکید کنیم اشتباه است. نباید حضور اجتماعی را معادل اشتغال ببینیم. حضور اجتماعی هم برای زن و هم برای خانواده و جامعه بسیار لازم است یعنی زنی که حضور اجتماعی نداشته باشد نمی‌تواند فرزندان را به خوبی تربیت و یا ارتباط صحیحی با همسرش برقرار کند و از نظر خودش هم عقب می‌افتد پس حضور اجتماعی زن بسیار مفید است ولی الزاماً به معنای اشتغال تمام وقت نیست حتی به معنای اشتغال هم نیست. پس ما بر حضور اجتماعی زن تأکید می‌کنیم اما اشتغال زنان را باید در آن شرایط حداقلی ببینیم





است پیش ببرند. این کتاب که مجموعه‌ای از مقالات گوناگون در زمینه اشتغال زنان است، به سفارش مرکز امور زنان و خانواده ریاست جمهوری و توسط دفتر مطالعات و تحقیقات زنان تهیه شده است. آنچه در پیش رو دارید خلاصه‌ای از مقالات این مجموعه است. در مقاله اول حجت‌الاسلام زیبایی‌نژاد؛ عوامل، پیامدها و رویکردهای اشتغال زنان را از نگاه مدیریت اجتماعی مورد مذاقه قرار داده است.

در مقاله ی دوم حوریه‌السادات برهانی در مقاله «بررسی نقش رسانه‌ها در روند اشتغال زنان» به بررسی پیوند میان رسانه‌ها و مسئله اشتغال زنان می‌پردازد.

«بررسی وضعیت اشتغال زنان در نظام بین‌الملل» عنوان سومین مقاله این کتاب است که به کوشش مریم فرهمند به رشته تحریر درآمده است. نویسنده در این مقاله ابتدا تاریخچه ورود زنان به بازار کار و رویکرد مکاتب فمینیستی به اشتغال زنان را بیان می‌کند و سپس با بررسی سازمان بین‌المللی کار، سازمان تجارت جهانی، بانک جهانی و ائتلاف اتحادیه کارگری زنان، به کاوش اشتغال زنان در دنیای امروز می‌پردازد و چالش‌ها و چشم‌اندازهای آن را تبیین می‌کند و شش مقاله ی دیگر نیز در حوزه ی اشتغال بحث می‌کنند و اما مقاله پایانی به اشتغال زنان در آرا و ادبیات فقهی اختصاص دارد. مریم احمدیه در این مقاله با نگاهی درون‌دینی ابتدا جواز اشتغال بانوان را از نظر منابع شرعی مورد بررسی قرار داده است و سپس با رجوع به منابع دینی مشاغل زنان را در قالب‌های مشاغل مستحب، مکروه و حرام پژوهیده است.

یکی از عرصه‌های تحول زندگی اجتماعی در عصر جدید، تغییرات و تحولات در زندگی زنان است. این تغییرات و تحولات، دامنه وسیعی از تغییر باورها و انگاره‌های اجتماعی درباره زنان تا تغییر نقش‌های فردی، خانوادگی و اجتماعی را در برمی‌گیرد.

اما اشتغال زنان، در میان این تحولات اهمیت و نقش ویژه‌ای دارد. یکی از وجوه اهمیت موضوع اشتغال زنان، تأثیرات عینی و مشهود آن در عرصه اجتماعی از یک سوی و عرصه‌های فردی از سوی دیگر است. این ویژگی مهم موجب شده است اشتغال زنان به مقوله‌ای تبدیل گردد که ابعاد اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی و حتی سیاسی دارد. بدیهی است مواجهه اثرگذار و حکیمانه با چنین موضوعی مستلزم نگاهی جامع‌الاطراف و چندوجهی به آن است.

نظریه‌پردازان، پدیده اشتغال زنان را از ضرورت‌های جامعه مدرن دانسته‌اند. بدیهی است این سخن به معنای آن است که تحولات و تغییرات در برخی (یا اکثر) مفاهیم و ساختارهای اجتماعی، الگوها و نقش اجتماعی زنان را دست‌خوش تغییر کرده است. به بیان دیگر، اشتغال زنان افزون بر اینکه پدیده‌ای چندوجهی است، از ساختارهای رونمایی اجتماعی نیز به شمار می‌آید، در نتیجه، پژوهش، مدیریت و برنامه‌ریزی برای اشتغال زنان بدون توجه به سلسله علل و عوامل اثرگذار بر آن امکان‌پذیر نیست.

در عین حال، اشتغال زنان، مانند هر پدیده اجتماعی دیگر، پیامدها و تأثیرات اجتماعی خاص خود را دارد. یکی از مهم‌ترین مؤلفه‌های مدیریت، توجه به تأثیرات پدیده‌های اجتماعی است.

مروری هرچند اجمالی بر پژوهش‌های صورت گرفته در موضوع اشتغال زنان گویای این نکته است که در غالب این پژوهش‌ها به سه ویژگی فوق یا برخی از آنها توجه نشده است. در برخی پژوهش‌ها با تأکید بر نقش اشتغال زنان در توسعه اقتصادی و افزایش درآمدهای ناخالص ملی، عملاً بر وجه اقتصادی اشتغال زنان تمرکز، و از ساحت‌ها و وجوه دیگر آن غفلت شده است. گو اینکه بیشتر پژوهش‌های ناظر به مسئله اشتغال زنان توسط دپارتمان‌های اقتصاد صورت می‌گیرد.

کتاب «اشتغال زنان»، به کوشش لیلآسادات زعفرانچی، با هدف تأکید بر دغدغه‌های مزبور تهیه شده است. هدف اصلی در این مجموعه آن بوده است که متخصصان در حوزه‌های اقتصاد، جامعه‌شناسی، مطالعات دینی و... ابعاد گوناگون این پدیده اجتماعی را به بحث گذاشته و ادبیات موجود را در این موضوع تا آنجا که ممکن

## مادر مربی جامعه

اعظم بهمن آبادی

همیشه می توان زنانی را در عرصه های گوناگون یافت که نه تنها در نقش های مادری و همسری خوش درخشیدند، بلکه توانستند در زمینه های مختلف علمی و فرهنگی به مدارج بالایی نائل شوند. یکی از این خانم ها سرکار خانم سیده سوسن مرندي است. ایشان متولد آمریکا هستند و تا سن ده سالگی در آنجا زندگی کردند و بعد از پیروزی انقلاب به ایران بازگشتند. وی دانش نامه ی لیسانس خود را در رشته زبان و ادبیات انگلیسی و کارشناسی ارشد و دکتری را در زمینه آموزش زبان از دانشگاه تهران با حفظ رتبه برتر در هر سه مقطع اخذ کرد. دکتر مرندي دانشیار، مسئول انجمن آموزش زبان و ادبیات انگلیسی ایران، نایب رئیس کنفرانس آموزش زبان انگلیسی، سرپرست روابط بین الملل دانشگاه الزهرا و از اساتید دانشگاه الزهرا هستند.



خیلی خوب و مثبت است؛ اما اگر انسان را از وظیفه اصلی اش دور کند، طوقی است به گردن فرد و بار سنگینی برای آخرت خواهد بود. در نهایت زن هر چقدر هم که مشغله داشته باشد و عناوین و موفقیت هایی در اجتماع کسب کرده باشد، مهم ترین وظیفه اش وظیفه ای است که در قبال خانواده اش دارد. بنده اولویت اول و افتخار اولم این است که خدمت خانواده باشم.

**پس دلیل شما برای ادامه تحصیل و سعی به رسیدن به مراتب بالای علمی چه بود با توجه به اینکه شما در سنین پایین ازدواج کردید؟**

همان دینی که گفته است در تربیت فرزند کوشا باش، من را اجبار نکرده است که در خانه بمانم و انجام کارهای خانه را برایم تکلیف قرار نداده است. از طرفی دین اسلام به کسب توصیه علم می کند پس همان احساس وظیفه ای که باعث می شود من تلاش کنم بچه هایم را خوب تربیت کنم و کارم را در خانه درست انجام دهم، باعث می شود هر چقدر انرژی برایم باقی ماند، برای رشد و تعالی و ترقی خود و جامعه ام بگذارم. از طرفی اگر قرار باشد افرادی در منسب هایی قرار گیرند چه بهتر است که افرادی باشند که اعتقادات دینی دارند.

پس زمانی که انسان می بیند ممکن است نیروهای غیر مذهبی در جایگاه قرار گیرند، یک واجب کفایی میشود که از این اتفاق جلوگیری کند.

**نظر شما در مورد خانم هایی که پیشرفت در تحصیل و یا شغل را دستاویزی برای اغماض در وظیفه مادری و همسری می کنند چیست؟**

بهتر است با این مقدمه به سوال شما پاسخ دهم. بنده فکر می کنم کسانی که خوب همسرداری کردن و بچه داری کردن را کار کوچکی می دانند، اشتباه می کنند. اینکه خداوند زن را مربی فرزند و در نتیجه مربی جامعه قرار داده است، مسئولیت بزرگی است اینکه خداوند خودش رب است و سمت مربی گری را به زن سپرده است بسیار جای افتخار دارد. بنابراین خانم ها و آقایانی که تساوی زن و مرد را در مثل هم بودن جستجو می کنند، دچار اشتباه هستند. من معتقدم زن و مرد مساوی هستند، اما مشابه هم نیستند. در واقع خانم هایی که می خواهند ثابت کنند مانند مردان هستند، دچار کم بینی اند و به خود توهین می کنند؛ چرا که ارزشمند شدن خود را وابسته به عین مرد شدن می دانند. خانم هایی که مطابق سوال شما اینگونه هستند باید به این موضوع توجه کنند که اگر بخواهیم صرفاً به فکر ترقی ظاهری خود باشیم، یک مقدار از انسانیت دور است و خودخواهی است. در واقع

**کسانی که خوب همسرداری کردن و بچه داری را کار کوچکی می دانند، اشتباه می کنند.**

این یک نگاه غربی است که پیشرفت و رسیدن به مقام بالا را در ظواهر و مادیات جستجو می کنند. اگر انسان نگاه الهی داشته باشد اینگونه نخواهد بود. البته که تحصیلات عالی و موفقیت های اجتماعی





**به نظر خودتان اگر ازدواج نمی کردید به موفقیت های بیشتری دست پیدا می کردید؟**

نه، فکر نمی کنم. در بیشتر مسائلی که برایم مهم بوده خانواده ام به لطف خداوند همراه من بودند. اعتقاد راسخ دارم که خیلی از موفقیت هایی که کسب کرده ام پاداشی بوده است که خداوند در برابر تلاش ناچیزم به من داده است البته نمی توانم بگویم یک زن خانه دار ایده آل هستم و هیچ وقت خانواده ام اذیت نشدند ولی می توانم بگویم همیشه به فکر خانواده بودم و تلاش می کردم خانواده برایم در اولویت قرار داشته باشد.

**آیا تا الان در قبال همسر و فرزندان تان خوب عمل کرده اید؟**

شاید نتوان گفت خوب عمل کردم ولی خیلی خوب تلاش کردم تا بتوانم توازن برقرار کنم. سعی کردم کیفیت حضورم در خانه بالا باشد. خیلی رابطه نزدیک و صمیمی با فرزندانم داشتم و دارم. من خیلی بچه دوست دارم و با آنها خیلی بازی می کردم. با اینکه همزمان با تحصیل در دانشگاه فرزندانم به دنیا آمدند و حتی به خاطر دخترم مجبور به گرفتن مرخصی شدم و بعد از به دنیا آمدنش دوباره ادامه دادم، اما هیچ وقت آنها را در مهد کودک نگذاشتم. در مواقعی محکم به خاطر خانواده می ایستادم. مثلا زمانی که مدیر روابط بین الملل دانشگاه الزهرا بودم و از بنده می خواستند تا روزهای جمعه به دانشگاه بروم، می گفتم روزهای پنج شنبه و جمعه برای خانواده است و من در اختیار خانواده هستم.

**نظر شما در مورد بهبود وضعیت شغلی زنان و این که خانم ها وارد هر شغلی نشوند چیست؟**

خوب باید در نظر داشت که اکثر خانم هایی که شاغل هستند، به علت نیاز مالی است و بالاخره زمانی که در شرایط بد مالی قرار می گیرند، مجبور می شوند وقتی کار نامناسب پیشنهاد می شود، بپذیرند بنابراین باید در درجه اول برای خانم ها به خصوص خانم هایی که سرپرست خانواده هستند قوانین بهتری در حمایت از آنها تصویب شود.

از طرفی باید فرهنگ سازی شود و سطح آگاهی جامعه بالا رود تا از زن به عنوان یک ابزار استفاده نشود و به فکر و شعور و خلاقیت او احترام بگذارند. اصلا بحث حجاب هم به همین خاطر است. البته

یک مقدار باید نظارت بیشتر صورت گیرد و قوانین سخت و بازدارنده در مواقعی که از جنسیت زن سوءاستفاده می شود اعمال گردد. بنده آموزشگاه های زبان انگلیسی رامی شناسم که برای استخدام، خانم هایی را انتخاب می کنند که آرایش کرده باشند و بعضا شرط می کنند مانتو کوتاه بپوشند، آرایش کنند و به گونه ایی در محل کار ظاهر شوند که مشتری پسند باشند.

**توصیه شما به خانم های شاغل متاهل که به هر دلیلی سعی می کنند یک فرزند یا فرزند کمتری آورند چیست؟**

این افراد بعدها حتما پشیمان خواهند شد و زمانی پشیمان می شوند که دیگر هیچ کاری نمی توان کرد. تک فرزند از نظر عاطفی و اخلاقی بسیار ضربه پذیر می شود. حتی در بزرگسالی! چرا که تنهاست و خواهر و برادری ندارد که با آنها اوقات بگذرانند. خصوصا اگر پدر و مادر در سنین بالا بچه دار شده باشند، این فرزند زودتر از دیگران پدر مادرش را از دست می دهد و بعد از فوت والدین، کسی را نخواهد داشت. از طرفی پدر و مادر هم صدماتی را می بینند؛ زمانی که فرزند از ابتدا با فرهنگ خودخواهی و اینکه هر کس به فکر

خود باشد بزرگ شود او هم در بزرگسالی برای پیشرفت خود شاید فرضا به کشور های خارجی رود یا جایی دور از پدر و مادرش زندگی کند. در واقع نهایتا پدر و مادر از فرزند آوری شان لذتی نمی برند.

**آقایانی که تساوی زن و مرد را در مثل هم بودن جستجو می کنند، دچار اشتباه هستند.**







کاهش ساعت کاری بانوان مسئله ایست که بخشی از خانواده های ایرانی همواره منتظر خبر تصویب و اجرای آن هستند. آیا خبر تصویب این طرح که بانوان ساعتی زودتر از مردان، به کار خود در بیرون از منزل خاتمه دهند، برای بانوان خیر مسرت بخشی است؟ با نگاهی به جامعه می بینیم بخشی از زنان حتی با وجود داشتن

## حقوق زنان از مصوبات تزئینی تا بنگاه های کار اجباری

زینب ارشدی

زنان در عرصه های داخلی و بین المللی در شورای عالی انقلاب فرهنگی به تصویب رسید. بخشی از قوانین این حوزه مربوط به حقوق و مسئولیت های اجتماعی زنان است. از این میان می توان به مواردی چون حق مشارکت زنان در سیاست گذاری قانون گذاری، مدیریت اجرا و نظارت در امور فرهنگی سازنده در ابعاد ملی و بین المللی اشاره کرد.

ارتباط انسان ها با یکدیگر خواه در خانواده و خواه در جامعه، همواره نیازمند تبیین خطوط و مرزهایی است که به وضوح، مناسبات و روابط انسانی را انتظام بخشد. انتظام امور جامعه تا حد زیادی وابسته به نظام حقوقی روشن است. تاکید یک جانبه بر اخلاق، بدون توجه به حقوق باعث از هم گسیختگی و هرج و مرج می شود. این دقیقا گلوگاهی است که در تبیین حقوق زنان کمتر به آن توجه می گردد. یعنی هنگامی که حدود و ثغور حقوق مردان در جامعه با جزئیات مشخص است حواله کردن رعایت بسیاری از حقوق زن به عملکرد اخلاقی مرد نوعی از بین بردن ضمانت اجراست. معاونت امور زنان ریاست جمهوری در همه ادوار گذشته طرح های خوبی را ارائه کرده است که متأسفانه همواره در حد طرح باقی مانده اند.

### راه حل کجاست؟

به نظر می رسد برای حل این مشکل معاونت امور زنان و خانواده باید برای اجرای طرح ها با دستگاه های اجرایی وارد مذاکره شود زیرا این معاونت تنها نقش سیاست گذاری در امور زنان را دارد و فاقد قدرت اجرایی می باشد. هم اکنون نیز این معاونت با همکاری وزارت کار تعاون و رفاه اجتماعی و سازمان بهزیستی از طریق تشکیل یک کارگروه سعی در حمایت از زنان سرپرست خانوار دارد و یا در تعامل با وزارت صنعت معدن و تجارت برای ساماندهی معیشت و امور زنان سرپرست خانوار در حال یکپارچه سازی اطلاعات زنان سرپرست خانوار است.

تحصیلات عالی دانشگاهی خانه دار هستند و

برخی در کنار خانه داری و فرزند داری در بیرون از منزل مشغول به کارند. در هر دو صورت نمی توان نقش مادری و وظایف یک زن در خانه را نادیده گرفت. از سویی فطرت زن و احساسات و عواطف و نیاز های متفاوت او نسبت به مردان و از سویی دیگر مظلوم واقع شدن زنان در طول تاریخ باز هم به دلیل همان تفاوت های گفته شده، لزوم وجود قوانین متناسب را برای جلوگیری از هرگونه تضییع حقوق زنان در مجامع قضایی و در زندگی اجتماعی و خانوادگی یادآور می شود. اصل بیست و یکم قانون اساسی معطوف به حقوق زن است. بر این اساس، دولت موظف است احقاق حقوق زن را در تمام جهات با رعایت موازین اسلامی تضمین نماید و ایجاد زمینه های مساعد برای رشد شخصیت زن و احیای حقوق مادی و معنوی او سرلوحه ی وظایف دولت است. در این زمینه حمایت از مادران به ویژه در دوران بارداری و حضانت فرزند و پشتیبانی از کودکان بی سرپرست وظیفه ی دیگریست که به دوش دولت گذاشته شده است. ضمن آنکه بیمه ی خاص برای زنان سالخورده و بی سرپرست و زنان بیوه نیز باید از سوی دولت تأمین گردد.

علاوه بر تأمین حقوق مادی زن در اصل بیست و یکم، به ابعاد عاطفی و احساسی و معنوی زن توجه شده است و در مواردی همچون اطفال زیر ۹ سال که وابستگی عاطفی بیشتری دارند قیمومیت فرزندان به مادران اعطا می شود. لذا با توجه به جایگاه زن در قانون اساسی در سال ۱۳۸۳ منشور حقوق و مسئولیت های

## وضعیت قوانین زنان در ایران از آنچه هست تا آنچه باید باشد

مولاوودی معاون رئیس جمهور در امور زنان و خانواده درباره ی سرنوشت لایحه ی کاهش ساعت کاری زنان شاغل می گوید: لایحه کاهش ساعت کاری زنان با شرایط خاص متوقف مانده است. این طرح به تقلیل ساعات کاری زنان شاغل دارای فرزند زیر هفت سال و یا دارای همسر و فرزند معلول اختصاص دارد که با پی گیری های صورت گرفته در حال حاضر در کمیسیون اجتماعی مجلس به تصویب رسیده است.

گفتنی است همچنین برای ۳۱ میلیون زن خانه دار که منبع در آمدی ندارند نیز سالهاست طرح بیمه کردن زنان خانه دار مطرح است و به فاز بندی و جلب نظر بیمه تامین اجتماعی نیاز دارد زیرا دولت برای بار مالی این قانون برنامه ای ارائه نکرده است و آن را به صورت لایحه مطرح می کند. اجرای طرح بیمه زنان خانه دار و دریافت مرخصی ۹ ماهه زایمان، از حقوق مورد غفلت واقع شده زنان در ایران است که امروزه در اکثر کشورهای توسعه یافته اجرا شده است و انتظار می رود کمیسیون زنان مجلس برای دست یابی به این بخش از حقوق زنان

ایرانی نقش فعال تری از خود نشان دهد تا جایی که این پی گیریها به همراه برنامه ریزی دقیق مجلس و مسئولین اجرایی منجر به حمایت و تخصیص بودجه برای اینگونه طرحها گردد.

طرح هایی که با در نظر گرفتن ویژگی های بومی و بر اساس نیاز یک جامعه ی ایرانی اسلامی و نه تحت تاثیر مشکلات زنان در جوامع غربی و به صورت کپی برداری شده طرح های اتحادیه اروپا تقدیم مجلس شوند. طرح هایی که علاوه بر آرمانگرایی، در لحظه تصویب ضمانت اجرایی آن نیز توسط نمایندگان محترم اندیشیده شود تا حقوق در نظر گرفته شده و مصوب این قوانین برای زنان به آرمانهایی زیبا و قابل افتخار تبدیل نشود که تنها در کنج آرشیو مصوبات مجلس خاک بخورد یا نهایتاً فقط در بخش دولتی قابل اجرا باشد. طرح هایی که برای ضمانت اجرای آن در بخش خصوصی و بنگاه هایی که زنان سرپرست و محتاج را با کمترین دستمزد و بدون بیمه و بعضاً حتی با قراردادهای سفید امضا و اخذ سفته به کار می گیرند نیز پاره ای اندیشیده شود! وگرنه اجرای قوانین مصوبه در مورد کارمندان زن شاغل در نهاد ریاست جمهوری یا وزارت کار که هنر بزرگی محسوب نمی شود.

## معرفی کتاب

خانواده در غرب، به ویژه آمریکا و کانادا، پرداخته و در طی نوزده فصل کتاب، با انتقاد از نظریه های فلسفی فراگیر، سیاست های آموزشی، اقتصادی، فرهنگی، گروه های فشار فمینیستی و لابی هم جنس بازان، سکوت یا همراهی کلیسا، نظام تقنینی و قضایی و راهکارهایی را برای کند کردن روند بحران و مهار آن پیشنهاد می کند.

در ترجمه اثر، تلاش شده تا مباحث اصلی و کلیدی کتاب استخراج شده، و همچنان که در مقدمه مترجم آمده، از ذکر جزئیات و مباحث حاشیه ای یا مطالبی که خاص خوانندگان بومی بوده، خودداری شود.

نویسنده کتاب در فصل هفدهم، به بررسی دقیق اندیشه حاکم بر کلیسا، به ویژه کلیسای پروتستان، و عملکرد آن که به طور عمده سکوت در برابر انحراف های فکری و عملی یا همراهی با آن ها است، می پردازد.

نقش قوانین و قوه قضائیه در تبدیل رویه های نادرست به امور قانونی و درست، موضوعی است که در فصل هجدهم کتاب با آن برخورد می کنیم. در این فصل، حقوق محوری، به عنوان یکی از علت های آسیب رسانی به نهاد خانواده مطرح می شود و از وضع قوانین در سطح فردی، جمعی، کشوری، و بین المللی برای بالا بردن میزان مطالبات فردی انتقاد به عمل می آید.

سرانجام، در آخرین فصل کتاب، نویسنده با برشمردن گزینه های پیش رو، از همگان جهت اقدام برای مقابله با بحران گریبانگیر جامعه، دعوت به عمل می آورد.

بحران فزاینده فروپاشی خانواده، افزون بر آن که بنیان های تمدن غرب را متزلزل کرده، به دلیل توسعه ارتباطات، سایر جوامع را نیز تحت تأثیر قرار داده است. این بحران، شمار رو به افزایشی از جامعه شناسان و اندیشه وران را بر آن داشته تا به واکاوی علت ها و عوامل این پدیده بپردازند و دیدگاه های

خود را در قالب کتاب، مقاله یا سخنرانی در اختیار جامعه قرار دهند.

کتاب «جنگ علیه خانواده» نوشته ویلیام گردنر، یکی از این دست آثار است.

گردنر دارای مدرک دکتری از دانشگاه استنفورد آمریکا است. او از سال ۱۹۷۱ در همین دانشگاه و نیز دانشگاه یورک به تدریس اشتغال داشته و دارای کتاب ها و مقالات متعدد در زمینه های اجتماعی، سیاسی و فرهنگی است.

نویسنده کتاب «جنگ علیه خانواده»، در اثر ۶۰۰ صفحه ای خود، به گونه ای تفصیلی به بررسی علل بروز بحران فروپاشی



امروزه بسیاری از تحولات زندگی جدید مانند اشتغال زنان، گسترش آپارتمان نشینی، تک فرزندی و... باعث شده است که نظام تعلیم و تربیت نیز دچار تحولاتی شود و مسؤلیت نگهداری از کودک زیر ۶ سال به نهادی اجتماعی به جز خانواده نیز سپرده شود. مهدکودک نهادی است که به طور قطع می توان آن را از تبعات نظام توسعه غرب دانست که در سایر کشور های در حال توسعه نیز عمومیت یافته و تا



## مهدکودک سازنده یا مخرب؟!؛

آیه مهدکودک

حدودی جزء لاینفک زندگی شهرنشینی شده است. در بسیاری از کشور ها مهد های کودک نخستین نهاد های اجتماعی پس از خانواده است که وظیفه مهم آموزش و تربیت رسمی کودک را بر عهده دارند اما در کشور ما پیش دبستانی نخستین مرحله رسمی ورود کودکان به جامعه به شمار می رود حال آنکه اکثر آن ها در سال های قبل تجربه حضور در مهد های کودک را داشته و تحت تعالیم درست و بعضا غلط قرار گرفته اند. امروزه مهد کودک در جامعه ما به چنان جایگاه پذیرفته شده ای دست یافته که نمیتوان خانواده ها را از حضور فرزندشان در آن برحذر داشت، لذا باید سازمان مشخصی در صحنه حاضر باشد تا با نظارت جدی بر عملکرد مهد های کودک از تاثیرات مخرب آنها بر نسل های بعد جلوگیری کند و دست یابی به این مهم با روند فعلی سازمان بهزیستی و آموزش و پرورش ممکن نیست، در نتیجه هر روز شاهد تاسیس مهدکودکی جدید هستیم که با بکارگیری نیرو های غیرمتخصص و ارزان قیمت بدون توجه به الگو ها و مبانی تربیت اسلامی مشغول آموزش رقص و آواز به فرزندانمان هستند ...

بازی با دیگر هم سالان و گذراندن وقت با آن ها هم برای کودکان لذت بخش است و هم جزء ضروریات رشد شناختی آنها است، در نتیجه گروه هم سالان برای کودک محیطی را فراهم می کند که در آن خود را بشناسد و همچنین به او می آموزد که از طریق این محل های بازی، از حقوق خود دفاع کند، با دیگران شریک شود و به دیگران احترام بگذارد و... در نهایت کودک از دنیای خود محور تک فرزندی خارج می شود و به مرحله اجتماعی شدن قدم میگذارد به همین دلیل است

که مهدکودک می تواند یک نهاد اجتماعی مفید و اثر گذار در شکل گیری شخصیت کودک باشد.

باید توجه داشت که مهدکودک نباید تبدیل به یک محل اجباری مانند مدرسه شود که کودک هر روز صبح زود مجبور باشد به آنجا برود و بیشتر طول روز خود را در آنجا سپری کند، چیزی که امروزه اکثر مادران شاغل ما به دنبال آن هستند، غافل از آنکه این روند می تواند چه تاثیرات مخرب و جبران ناپذیری بر روح و روان کودکشان داشته باشد.

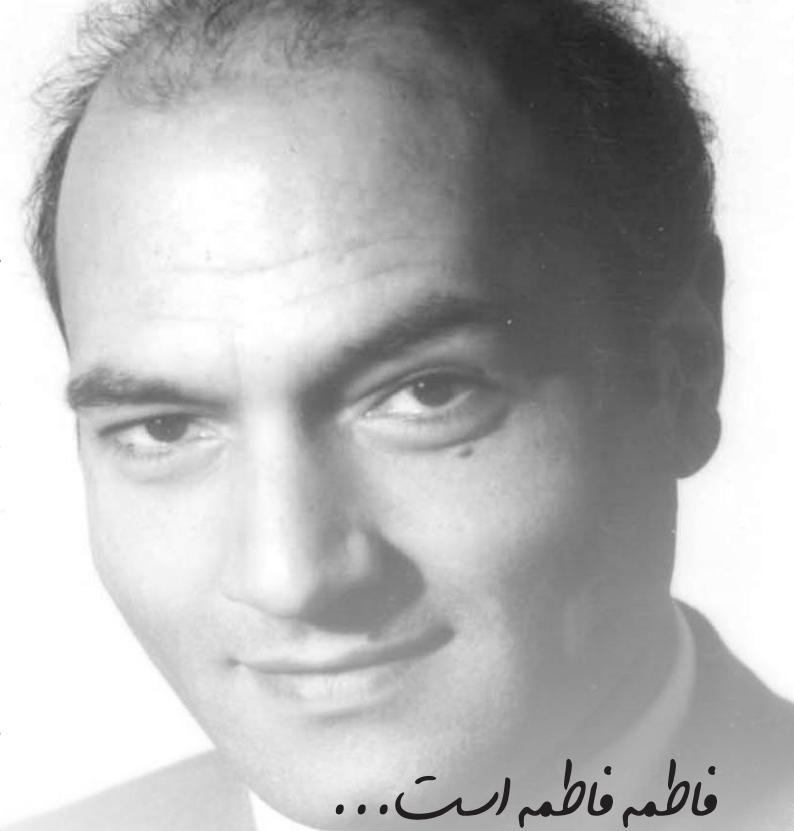
قطعا دولت و مجلس باید چاره ای بیندیشند تا مادر شاغل مجبور نباشد تمام طول هفته را از کودک خود دور

باشد و مجبور به سپردن او به مهد کودک شود، اجرای طرح هایی چون مرخصی زایمان، کاهش ساعت کاری مادران، دور کاری و... می تواند گام موثری را در رفع این مشکلات بردارد که البته پرداختن به نقاط ضعف و قوت این طرح ها و علل اجرایی نشدن آنها از حوصله ی این مطلب خارج است و در این مقال نمیگنجد.

کودک میتواند به طور منظم سه روز در هفته وقت خود را در مهد کودک سپری کند، به این ترتیب هم از محبت خانواده محروم نمی ماند و هم حضور در کنار هم سالان را تجربه می کند اما در این میان مهم تر از هر مسئله ای انتخاب مهد کودک مناسب است. خانواده ها موظف اند به همان میزان که در انتخاب مدرسه فرزندان خود وسواس به خرج میدهند در انتخاب مهدکودک هم دقت کنند، اما این دقت و توجه نباید به ظواهر خلاصه شود و مهدکودک های بی هویت بتوانند با عناوین و الگو های غربی والدین را به ثبت نام فرزندشان در آنجا ترغیب کنند چرا که نتیجه این بی توجهی ها وقتی عیان میشود که با مواردی چون آموزش شنا در استخر های مختلط، استفاده از داروی خواب آور در غذای بچه ها، مراسم ها و جشن های بالماسکه غربی و... در مهد های پر مخاطب شهر تهران مواجه میشویم.

مهدکودک خوب میتواند با الگو های تربیتی اسلامی - ایرانی نسلی مومن و انقلابی به جامعه ارائه کند و البته می تواند دقیقا نقشی معکوس در تربیت نسل بعد داشته باشد، اما قطعا با روند فعلی و نظارت ضعیف سازمان بهزیستی بر عملکرد مهد های کودک باید نگران آینده کشور و نسل های آینده بود.





## فاطمه فاطمه است...

هیچ جسدی را حق ندارند که در مسجد دفن کنند. و بزرگترین مسجد زمین مسجدالحرام است، کعبه. این خانه‌ای که حرم خداست و حریم خداست، قبله همه سجده‌ها، خانه‌ای که به فرمان او و به دست ابراهیم بزرگ برپا شده است و خانه‌ای که پیامبر بزرگ اسلام افتخارش و «رسالتش» آزاد کردن این خانه «آزاد» است و طواف برگرد آن و سجده به سوی آن. همه پیامبران بزرگ تاریخ خادم این خانه‌اند، اما هیچ پیامبری حق ندارد در اینجا دفن شود. ابراهیم آن را بنا کرد و مدفنش آنجا نیست و محمدآن را آزاد کرد و مدفنش آنجا نیست. در طول تاریخ بشریت، تنها و تنها یک تن از چنین شرفی برخوردار است، خدای اسلام از نوع انسان یکی را برگزید تا در خانه خاص خویش، در کعبه دفن شود. کی؟ یک زن، یک کنیز، هاجر. خدا به ابراهیم فرمان می‌دهد که بزرگترین پرستشگاه انسان را - خانه مرا - کنار خانه این زن بنا کن. و بشریت، همیشه باید برگرد خانه هاجر طواف کند. خدای ابراهیم، سرباز گمنامش را از میان این امت بزرگ، یک زن انتخاب می‌کند، یک مادر آن هم یک کنیز. یعنی موجودی که در نظام‌های بشری از هر فخری عاری بوده است.

آری، در این مکتب این چنین انقلاب می‌کنند. در این مذهب این چنین زن را آزاد می‌سازند. این تجلیل از مقام زن است. و اکنون باز خدای ابراهیم فاطمه را انتخاب کرده است. با فاطمه، «دختر»، به عنوان وارث مفاخر خاندان خویش، و صاحب ارزش‌های نیاکان و ادامه شجره تبار و اعتبار پدر، جانشین «پسر» می‌شود. در جامعه‌ای که ننگ دختر بودن را تنها زنده به گور کردنش پاک می‌کرد و بهترین دامادی که هر پدری آرزو می‌کرد نامش «قبر» بود. و محمد می‌دانست که دست تقدیر با او چه کرده است. و فاطمه نیز می‌دانست که کیست. این است که تاریخ از رفتار محمد با دختر کوچکش فاطمه در شگفت است و از نوع سخن گفتنش با او و ستایش‌های غیر عادی‌اش از او.

خانه فاطمه و خانه محمد کنار هم است. فاطمه تنها کسی است که با همسرش علی در مسجد پیامبر، با او هم خانه‌اند، این دو خانه را یک خلوت دو متری از هم جدا می‌کند و دو پنجره روبروی هم، خانه محمد و فاطمه را به هم باز می‌کند. هر صبح پدر دریچه را می‌گشاید و به دختر کوچکش سلام می‌دهد هرگاه به سفر می‌رود، در خانه فاطمه را می‌زند و از او خداحافظی می‌کند، فاطمه آخرین کسی است که از او وداع می‌کند، و هر گاه از سفر باز می‌گردد، فاطمه اولین کسی است که به سراغش می‌رود، در خانه فاطمه را می‌زند و حال او را می‌پرسد.

... این همه تکرارها چرا؟ چرا پیغمبر اصرار دارد که این همه از دختر کوچکش ستایش کند؟ چرا اصرار دارد که در برابر مردم او را بستايد و همه را از محبت استثنائی‌اش به وی آگاه سازد؟ و بالاخره چرا اینهمه بر خشم و خشنودی فاطمه تکیه می‌کند و این کلمه آزدن را چرا درباره او اینهمه تکرار می‌کند؟ پاسخ به این چراها، گرچه بسیار حساس و خطیر است، روشن است، تاریخ همه را پاسخ گفته است و آینده، عمر کوتاه چند ماهه فاطمه پس از مرگ پدر، راز این دلهره پدر را آشکار ساخته است.

و اکنون محمد، پیامبر است، در مدینه، در اوج شکوه و اقتدار و عظمتی که انسان می‌تواند تصور کند. درختی که نه از عبدالمناف و هاشم و عبدالمطلب، که از نو روئیده است، بر زیر کوه، در حرا. و سراسر صحرا را، چه می‌گوییم؟ افق تا افق ز منی را... و چه می‌گوییم؟ درازنای زمان را، همه آینده را تا انتهای تاریخ فرا می‌گیرد، فرا خواهد گرفت. و این مرد چهار دختر دارد. اما نه، سه تنشان پیش از خود وی مردند. و اکنون تنها یک فرزند بیش ندارد، یک دختر، کوچکترینش. فاطمه وارث همه مفاخر خاندانش، وارث اشرافیت نوینی که نه از خاک و خون و پول که پدیده وحی است، آفریده ایمان و جهاد و انقلاب و اندیشه و انسانیت و ... بافت زیبایی از همه ارزشهای متعالی روح. محمد، نه به عبدالمطلب و عبدالمناف، قریش و عرب، که به تاریخ بشریت پیوند خورده و وارث ابراهیم است و نوح و موسی و عیسی و فاطمه تنها وارث او... اناعطیناک الکوثر، فصل لربک و انحر. ان شائک هو الابر.

به تو «کوثر» عطا کردیم ای محمد. پس برای پروردگارت نماز بگزار و شتر قربانی کن. همانا، دشمن کینه توز تو همو «ابتر» است!

او باده پسر، ابتر است، عقیم و بی دم و دنباله است، به تو کوثر را دادیم، فاطمه را. این چنین است که «انقلاب» در عمق وجدان زمان پدید می‌آید!

اکنون، یک «دختر»، ملاک ارزش‌های پدر می‌شود، وارث همه مفاخر خانواده می‌گردد و ادامه سلسله تیره و تباری بزرگ، سلسله‌ای که از آدم آغاز می‌شود و بر همه راهبران آزادی و بیداری تاریخ انسان گذر می‌کند و به ابراهیم بزرگ می‌رسد و موسی و عیسی را به خود می‌پیوندد و به محمد می‌رسد و آخرین حلقه این «زنجیر عدل الهی»، زنجیر راستین حقیقت، «فاطمه» است. آخرین دختر خانواده‌ای که در انتظار پسر بود و محمد می‌داند که دست تقدیر با او چه می‌کند و فاطمه نیز می‌داند که کیست! آری در این مکتب، این چنین انقلاب می‌کنند. در این مذهب، این چنین زن را آزاد می‌کنند. و مگر نه این مذهب، مذهب ابراهیم است و اینان وارثان اویند؟



## چه خبرانديمن؟!

گزارش تصويری برخی فعاليت های ترم مهر ۹۵ انجمن اسلامی دانشجويان دانشگاه الزهرا(س):

جشن ۱۶ آذر



طرح اطعام کودکان کار



نمایشگاه کتاب



کرسی آزاداندیشی



### اختيار يا اجبار؟

کرسی آزاداندیشی  
بررسی لزوم وجود یا عدم وجود حجاب در جامعه  
زمان: سه شنبه ۴ آبان ماه، ساعت ۱۳ الی ۱۵  
مکان: ساختمان معاونت فرهنگی (پشت بوفه)، طبقه ی سوم، اتاق ۱۴  
مهمت ثبت نام به دفتر انجمن اسلامی، جنب سلف جدید، ساختمان علم و فرهنگ اتاق ۱ مراجعه فرمایید.



اکران فیلم سینمایی



کارگاه ازدواج، عهد آسمانی



اردوی تشکیلاتی زیارتی مشهد مقدس



دوره های کدینگ زبان انگلیسی



اکران مستند داستان فیل والاغ



۰۹۱۲۰۰۰۷۶۳۶ :

من یه دانشجوی ترم اولیم که از کرج میام ، متاسفانه دانشگاه اصلا برنامه ی کلاس ها رو درست زمانبندی نکرده. ما پنج روز در هفته باید بیایم دانشگاه و با وجود ترافیک و ... (حتی برای دانشجویان ساکن تهران هم مشکله) زمان خیلی زیادی از ما گرفته میشه و من به شش هفته وقت هیچ کاری رو دیگه ندارم فقط پنجشنبه و جمعه می مونه که اونم نمیشه همه ی کارهای طول هفته رو تو دو روز انجام داد ، در صورتی که میشد این پنج روز در سه روز جمع شه که ما دو روز اضافه تر برای کار هامون داشته باشیم .

۰۹۱۲۰۰۰۸۸۱۰

برخی مسئولین دانشگاه به هیچ وجه پاسخگو های خوبی نیستن . قراره که نیازهای ما رو رفع کنن در حالی که بیشتر مارو از سر باز میکنن!!!

۰۹۳۶۰۰۰۴۰۲۴

سلام

به نظرم نبود نظرسنجی از کارکنان به خصوص کارشناس امور دانشجویی الهیات و مهندسی که بسیار اخلاق تندی داره و بچه ها سر قضیه وام گرفتن کلافه میشدند. بنده که قیدش رو زدم.

۰۹۱۹۰۰۰۴۰۶۵

غذا ها کیفیتش بهتر بشه

بزرگترین مشکل گروه نجوم، اینه که استاد کم داریم. یعنی فقط یه دونه استاد داریم برای همه ی گرایش ها و ورودی ها و این خیلی بده! و این همه کار رو یه نفر نمی رسه انجام بده برامون خیلی مهم و مفید خواهد بود اگه یه استاد دیگه برای نجوم بیارن. کلی کارامون راه میفته  
ناشناس:

در مورد نقد به دانشگاه میخوام بگم که دانشگاه خیلی برای رشته های فنی کم کاری میکنه مثلا رشته صنایع، این کم کاری از نظر استاد منظومه، استادایی که

برای ما میارن واقعن سطحشون پایینه مخصوصا استاد فیزیک کامپیوتر و صنایع یه مسئله حل میکنن بعد با ما بحث میکنن که اینطوری درسته ولی کاملا اشتباه حل کردن و آخرشم خودشون متوجه میشن اشتباه نوشتن این استاد ما با استاد دانشگاه آزاد یکیه

۰۹۳۷۰۰۰۶۷۶۳

۱.عدم سهولت در دسترسی به کلاس خالی برای برگزاری کلاس های حل تمرین و فوق العاده  
۲.کم بودن حجم غذا و عدم توزیع غذا های درجه ۱ با دوره زمانی کوتاه  
۳.عدم فراهم آوری امکاناتی نظیر شرکت در المپیاد های دانشجویی برای دانشجویان ترم های پایین(یعنی همه ی دانشجویان به غیر از ترم ۷ و ۸)

۰۹۱۹۰۰۰۲۳۱

لطفا درباره ی میزان رضایت دانشجویان از نحوه ی خدمت رسانی مسئولین آموزشی به دانشجویان و میزان مطلع بودن مسئولین آموزشی از آیین نامه ها و به تبع آن کامل راهنمایی کردن دانشجویان مطابق آیین نامه ها نیز نظرسنجی بفرمایید

۰۹۱۵۰۰۰۱۰۰۸

سلام

میخواستم بگم اگه میشه یه نظر سنجی در مورد زمان تردد خوابگاهها هم بذارین  
حداقل یه طوری باشه که دانشجویهای ارشد تایم بیشتری بتونن بیرون از خوابگاه باشن چون با اینکه واحداشون کمتره اما حجم کارشون خیلی زیاده و یه وقتایی مثلا تا انقلاب میخوایم بریم ساعت ۶ عصره و میدونیم تا هشت و نیم نمیرسیم خوابگاه برگردیم

دانشجویان مکانیک ورودی ۹۵ در کلاس های کم امکانات پردیس کلاس هایشان برگزار میشود درحالیکه ورودی های ۹۵ صنایع اکثر کلاساشون در ساختمان خوارزمی می باشد.

جهت اطلاع از فعالیت های انجمن اسلامی دانشجویان دانشگاه الزهرا(س) می توانید از یکی از راه های ارتباطی زیر استفاده نمایید:

E.mail:alzahra.islamic.s.association@gmail.com

Telegram:@anjomanalzahra

Instagram:anjoman\_islami\_alzahra



با پاسخ دهی به سوالات این صفحه

وارسال آن برای انجمن اسلامی دانشجویان می توانید در مسابقات

روزنه شرکت نمایید.

تمامی سوالات از متن نشریه ایی که در حال حاضر در دستان شما

خواننده ی گرامی است طرح شده است.

با ما در ارتباط باشید.

E.mail:alzahra.islamic.s.association@gmail.com

۰۹۲۱۸۴۵۱۱۴۵



۶\_ کدام اصل از قانون اساسی معطوف به حقوق زنان است؟

الف) ۳۱

ب) ۲۱

ج) ۳۳

د) ۴۴

۷\_ به طور میانگین مطلوب است کودک چند روز در هفته را در

مهد کودک بگذرانند؟

الف) ۰

ب) ۳

ج) ۲

د) ۴

۸\_ فعالیت زنان خانه دار داخل منزل (آشپزی، مراقبت از

فرزندان و...) جزو کدامیک از گزینه های زیر است؟

الف) تولید ناخالص داخلی

ب) تولید ناخالص ملی

ج) تولید خالص ملی

د) تولید خالص داخلی

۹\_ منشور حقوق و مسئولیت های زنان در عرصه های داخلی و

بین المللی در چه سالی و در کدام نهاد به تصویب رسید؟

الف) ۱۳۸۲ - مجلس شورای اسلامی

ب) ۱۳۸۳ - مجلس شورای اسلامی

ج) ۱۳۸۲ - شورای عالی انقلاب فرهنگی

د) ۱۳۸۳ - شورای عالی انقلاب فرهنگی

۱۰\_ مهدهای کودک زیر نظر کدام سازمان یا وزارتخانه اند؟

الف) سازمان بهزیستی

ب) وزارت بهداشت و درمان

ج) وزارت کار

د) هیچکدام

۱\_ چرا مسئله تحصیل برای زنان امری ضروری است؟

الف) داشتن آینده شغلی بهتر

ب) زیرا زنان متولی امر تربیت فرزند هستند

ج) داشتن شأن اجتماعی بالاتر

د) هیچکدام

۲\_ کتاب « پسرها را نجات دهیم » ابتدا در کدام کشور به چاپ

رسید و چه نتیجه ای در بر داشت؟

الف) آلمان - اجباری شدن اختلاط مدارس

ب) آمریکا - لغو قانون اختلاط مدارس

ج) فرانسه - لغو قانون اختلاط مدارس

د) انگلیس - اجباری شدن قانون اختلاط مدارس

۳\_ امر اشتغال برای زنان..... است نه وظیفه.

الف) حق

ب) استقلال

ج) توانایی

د) همه موارد

۴\_ دلیل داخلی گرایش زنان ایرانی به اشتغال چیست؟

الف) حاکمیت الگوهای لیبرالیستی

ب) فرهنگ سازی غلط در دهه گذشته

ج) استقلال مالی

د) رویکرد های فمینیستی

۵\_ می توان گفت اشتغال زنان تاثیر مستقیمی بر کاهش.....

دارد.

الف) جمعیت

ب) ازدواج

ج) انسجام روابط عاطفی زوجین

د) همه موارد





# فراغت از خانه مکه و بیست و یک روز

امام مهدی (عج):  
فی ابنة رسول الله (صل الله عليه و آله) لی أسوة حسنه  
دختر رسول خدا (ص) برای من الگویی نیکو است.

مادرهركارى كند،  
بچه ها يادميگيرند..  
مثلاً اگر شهيد شود...  
مادرخوبى ها...

(س)

